



فصلنامه مدیریت عملیات

سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۴۰۳

طراحی الگوی راهبری شرکتی در بخش سلامت با رویکرد آمیخته

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹

فاطمه رضایی^۱، حیدر محمدزاده سالطه^۲، رضوان حجازی^۳، هوشنگ تقی‌زاده^۴

چکیده:

پژوهش حاضر به دنبال ارائه الگوی راهبری شرکتی در بخش سلامت بر مبنای رویکرد آمیخته می باشد و جزء پژوهش های اکتشافی محسوب می شود. روش نمونه گیری در بخش کیفی هدفمند و در بخش کمی طبقه ای با تخصیص مناسب بود. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه دلفی (بخش کیفی) و پرسشنامه محقق ساخته (بخش کمی) استفاده شد. روایی پرسشنامه با استفاده از روش روایی و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت و به تدوین مدلی جامع که شامل عوامل علی، عوامل مداخله گر، عوامل زمینه ای، راهبردها و پیامدهای ارائه الگوی راهبری شرکتی در بخش سلامت است، پرداخته شد. مصاحبه عمیق به عنوان اصلی ترین ابزار جمع آوری داده ها در این مرحله مورد استفاده قرار گرفت. نمونه گیری مرحله کیفی با روش در دسترس، آغاز شد و پس از آن به روش گلوله برفی ادامه یافت. در مجموع ۱۶ مقوله و ۲۳۲ مفهوم شناسایی و استخراج شدند. کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل داده ها در نظریه پردازی زمینه ای است. در مرحله کمی پرسشنامه ای بر اساس یافته های مرحله کیفی، تدوین گردید. برای تعیین حجم نمونه در بخش کمی از قاعده مختص مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد و حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد در مجموع الگوی به دست آمده در پژوهش حاضر به ترتیب اولویت مشتمل بر ۶ بعد، ۱۷ مؤلفه و ۱۰۶ کد است. نتایج حاصل از بخش کمی پژوهش بیانگر آن بود که شرایط علی بر مقوله اصلی و مقوله اصلی بر راهبردها و راهبردها بر پیامدها تأثیر مثبت و معناداری دارد. شرایط مداخله گر بر راهبردها و در نهایت شرایط بستر بر راهبردها تأثیر مثبت و معناداری دارد. یافته و دستاورد نهایی پژوهش حاضر، الگویی نسبتاً جامع و کامل بر اساس الزامات و ویژگی های الگوی مصرف

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

^۲ دانشیار گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استاد گروه حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

^۴ استاد گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

اقتصادی است و از سایر الگوهای ارائه شده توسط صاحب نظران با توجه به این که برای جوامعی غیرتجاری تدوین شده اند، مناسب تر است. الگوی به دست آمده در مقایسه با سایر الگوها، از نظر ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های به دست آمده، جامعیت بیشتری را نشان می دهد.

واژگان کلیدی: راهبری شرکتی، بخش سلامت، عوامل سازمانی، عوامل فراسازمانی، بسترهای مدیریتی، بسترهای سازمانی

۱- مقدمه

راهبری شرکتی پیش از هر چیز حیات سالم بنگاه اقتصادی را در بلندمدت هدف قرار می‌دهد و به این خاطر درصدد است تا از منافع سهامداران در مقابل مدیریت سازمان‌ها حفاظت به عمل آورد. واقعیت ورشکستگی شرکت‌های عظیم و معتبر در مدت زمان کوتاه از دو پدیده متوالی ناشی شده است: انعکاس اخبار غلط و گزارش‌های مالی نادرست درباره وضعیت بنگاه و افشای قریب‌الوقوع آن، وضعیت حاضر هم اکنون در بازارهای سهام کشورهای صنعتی به بحران بی‌سابقه بدل گشته و درجه اعتماد سرمایه‌گذاران به شرکت‌ها را به شدت کاهش داده است. در این پژوهش به جای اینکه صرفاً به دنبال شناسایی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در طبقه‌های معرفی شده باشیم، کشف طبقه‌ها، مفاهیم جدیدی که با بستر موجود خلق می‌شوند، معانی که در آن ساخته می‌شوند، هم‌خوانی محتوایی با کارکرد آنها مورد کشف و بررسی قرار می‌گیرند و این نگاه و رویکرد، متناسب با شرایط پیچیده و متلاطم کنونی است. اگر بخواهیم مشکلات پیچیده و رو به رشد راهبری شرکتی را بفهمیم، ممکن است روش‌های جدیدی نیاز داشته باشیم (بلتراتی و استولز^۱، ۲۰۱۲).

شفافیت، پاسخ‌گویی و افشای کافی سه عنصر اصلی در راهبری شرکتی هستند. راهبری شرکتی مجموعه سازوکارهایی است که به تأیید رفتار منصفانه و درست با همه ذینفعان و به تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی کمک می‌کند. اسقرار مناسب سازوکارهای راهبری شرکتی اقدامی اساسی برای استفاده بهینه از منابع، ارتقاء پاسخ‌گویی، شفافیت، رعایت انصاف و حقوق همه ذینفعان است (طبائی‌زاده فشارکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۰). ابزارهای راهبری شرکتی با کیفیت بالا در شرکتها باعث کاهش هزینه سرمایه، افزایش نقدشوندگی و امکانات مالی بالقوه، تسهیل توانایی غلبه بر بحران و جلوگیری از طرد شدن شرکت‌های با مدیریت مناسب در بازارهای سرمایه می‌شود. رویه‌های راهبری شرکتی در مورد کشورها موجب پیش‌گیری از خروج وجوه داخلی، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی، افزایش

^۱. Beltratti & Stulz

قدرت رقابتی اقتصاد و بازارهای سرمایه، غلبه بر بحران، تخصیص کاراتر منابع و دستیابی به سطوح بالاتری از پیشرفت و ترقی می‌شود (نیکومرام و پورزمانی، ۱۳۸۵؛ طبائی‌زاده فشارکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۰).

هدف این پژوهش با ارائه مدل کنترل راهبری شرکتی به عنوان یک زیر ساخت کلیدی در راهبری سازمان، جهت‌گیری نوینی را برای تحقیقات و مطالعات این حوزه می‌باشد. در واقع، این پژوهش به دنبال طراحی مفاهیم و مدلی نوآورانه و مبتنی بر داده‌های کیفی بوده و سعی دارد تا از این طریق به گسترش مرزهای دانش موجود در این حوزه کمک نماید.

۲- بیان مسئله

مفهوم راهبری شرکتی، مفهومی مترقی و جدید در رشد و توسعه بنگاه‌ها به خصوص بنگاه‌های بزرگ است. شفافیت و تقسیم درست و به جای اختیارات و مسئولیت‌ها در بین ارکان شرکتها و همچنین اتخاذ سازوکارهای کنترلی و نظارتی مبتنی بر حاکمیت شرکتی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی امری ضروری به نظر می‌رسد. به جهت اینکه بنگاه‌ها واحدهای اقتصادی دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند، بنابراین نوع اجرا و اداره‌شان بایستی به صورتی باشد که علاوه بر حفظ منافع سهامداران، منافع سایر ذینفعان آن شرکت اعم از کارمندان، مشتریان، دولت و همچنین جامعه را پوشش دهد. اجرای راهبری شرکتی با توجه به اندازه بنگاه‌ها نیز از اهمیت به سزایی برخوردار است. طبیعی است در جریان بزرگ شدن اندازه متوسط بنگاه‌های کشور که نمونه‌ای از آن افزایش تعداد شرکتهای سهامی عام در شرکتهای بورس و فرابورس بوده، لازم است هرچه بیشتر به اهمیت مفهوم راهبری شرکتی پرداخته شود.

یکی از مقررات اجباری این است که هر یک از خدمات بهداشتی باید کیفیت گزارش مراقبت را به چاپ برسانند - گزارشی مستقل از گزارش سالیانه. هر یک از خدمات بهداشتی باید عملکرد خود را در رابطه با حوزه‌های خاص مانند زمان انتظار برای درمان

اضطراری، شکایات، اتفاقات ناخوشایند و نرخ مرگ و میر گزارش دهند. اینها براساس شاخص‌های عملکرد کلیدی وزارت خدمات انسانی^۱ اندازه‌گیری می‌شوند. خدمات بهداشتی نیز در سنجش مورد استفاده برای این حوزه و سایر حوزه‌های مرتبط با کیفیت و ارائه مراقبت از بیمار باید گزارش شود. می‌توان بیان داشت که تجمیع مجدد هفت شبکه مراقبت‌های بهداشتی ویکتوریا در سال ۲۰۰۰ به ۱۲ سرویس مراقبتی بهداشتی بخشی از واکنش شورای بررسی بهداشت بوده است که ابراز نگرانی کرده بود مراقبت از بیمار و کیفیت ممکن است به ثبات و الزامات تجاری منجر شود.

راهبری شرکتی پیش از هر چیز حیات سالم بنگاه اقتصادی را در بلندمدت هدف قرار می‌دهد و به این خاطر درصدد است تا از منافع سهامداران در مقابل مدیریت سازمان‌ها حفاظت به عمل آورد. واقعیت ورشکستگی شرکت‌های عظیم و معتبر در مدت زمان کوتاه از دو پدیده متوالی ناشی شده است: انعکاس اخبار غلط و گزارش‌های مالی نادرست درباره وضعیت بنگاه و افشای قریب‌الوقوع آن. وضعیت حاضر هم اکنون در بازارهای سهام کشورهای صنعتی به بحران بی‌سابقه بدل گشته و درجه اعتماد سرمایه‌گذاران به شرکت‌ها را به شدت کاهش داده است. در این پژوهش به جای اینکه صرفاً به دنبال شناسایی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در طبقه‌های معرفی شده باشیم، کشف طبقه‌ها، مفاهیم جدیدی که با بستر موجود خلق می‌شوند، معانی که در آن ساخته می‌شوند، هم‌خوانی محتوایی با کارکرد آنها مورد کشف و بررسی قرار می‌گیرند و این نگاه و رویکرد، متناسب با شرایط پیچیده و متلاطم کنونی است. اگر بخواهیم مشکلات پیچیده و رو به رشد راهبری شرکتی را بفهمیم، ممکن است روش‌های جدیدی نیاز داشته باشیم (بلتراتی و استولز^۲، ۲۰۱۲).

راهبری شرکتی قوی در شرکتها از جمله مهم‌ترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می‌شود. طبق مطالعات صورت گرفته، با ضعف راهبری شرکتی، فساد مالی افزایش و به

^۱ . Key Performance Indicator(KPIs)

^۲ . Beltratti & Stulz

دنبال آن سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی تنزل، مخارج دولت افزایش و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد (پارکر و همکاران^۱، ۲۰۰۲؛ مرادی و سهراب‌زاده، ۱۳۹۶). ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند برای هدایت و کنترل موسسات به نحوی که بتواند حافظ منافع ذینفعان شود، باعث کاهش هزینه‌ها و ریسک می‌شود و منافع آنها را حفظ می‌کند. این شرایط موجب می‌شود واحدهای اقتصادی، در شرایط بحرانی عملکرد شرکت و واکنش مناسب‌تری برای عبور از وضعیت نامطلوب داشته باشند و از شرایط بحران مالی تا اندازه قابل توجهی مصون بماند (مرادی و سهراب‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۱).

۳- پیشینه پژوهش

ارشد و رازک^۲ (۲۰۱۱)، در پژوهشی به بررسی عملکرد اجتماعی شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی پرداختند. شواهد تجربی نشان می‌دهد که مالکیت متمرکز یک اثر منفی بر عملکرد اجتماعی دارد. سهامدار اصلی میلی به صرف پول در مسئولیت اجتماعی شرکت که می‌تواند به تمامی ذینفعان سود برساند، ندارد. در مقابل، مالکیت پراکنده عملکرد اجتماعی را تقویت می‌نماید که نشان‌دهنده تعهد شدید مدیران به مسئولیت اجتماعی شرکت می‌باشد. این امر به آنها اجازه می‌دهد تا تعارضات میان سهامداران و ذینفعان را حل نمایند. نوع مالکیت به نظر نمی‌رسد اثری بر مسئولیت اجتماعی شرکت داشته باشد.

سانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی مسئولیت اجتماعی شرکت و حاکمیت ذینفعان در سطح بین‌المللی پرداختند. آنها دریافتند که حاکمیت ذینفعان در مقایسه با حاکمیت هیأت‌مدیره، بیشتر به مسئولیت اجتماعی شرکت منتهی می‌گردد و بیشتر بر آن اثر می‌گذارد. اثرات ذینفعان در روی آوری به مسئولیت اجتماعی شرکت در شرایطی که حمایت از سرمایه‌گذار و حاکمیت شرکتی ضعیف است، مشهودتر و ژرف‌تر می‌باشد.

^۱ . Parker et al

^۲ . Arshad & Razak

^۳ . Song et al

بهادوری و سلارکا^۱ (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی پرداختند. نتایج آنها نشان داد شرکت‌های بزرگتر، با قدمت بیشتر و شرکت‌هایی که بین سهامداران سود تقسیم می‌کنند، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مسئولیت اجتماعی دارند. همچنین، رابطه مثبت و معناداری بین نسبت سهامداران نهادی و مسئولیت اجتماعی وجود دارد. در مقابل، نسبت مدیران مستقل در هیأت‌مدیره، تأثیری بر مسئولیت اجتماعی ندارد و سودآوری رابطه معناداری با مسئولیت اجتماعی ندارد.

حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکتها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری پرداختند. آنها بر این باوری بودند که شرکتها، واکنش‌های مختلفی در جهت پاسخگویی به تقاضاهای جدید دارند، به گونه‌ای که برخی شرکتها فرهنگ سازمانی و حاکمیتی خود را تغییر داده و در نظر گرفتن مسئولیت اجتماعی، شرکتها را به عنوان هسته اصلی فعالیتهای تجاری پذیرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ارتباط مثبت بین تلاشهای مسئولیت اجتماعی شرکتها و عملکرد مالی به عنوان یک پارادایم جدید در مطالعات مسئولیت اجتماعی در شرکتها و بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد.

سپاسی و اسمعیلی کجانی (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی ارائه مدلی جهت تبیین رابطه میان حاکمیت شرکتی و افشای زیست‌محیطی مبتنی بر رویکرد مدل هزینه پرداختند. در بخش ادبیات پژوهش متغیرهایی که توسط پژوهشگران پیشین مورد توجه قرار گرفته بودند، بررسی شدند. با حذف متغیرهای فردی و اضافه نمودن متغیرهای اجتماعی، متغیرها برای تعیین میزان اهمیت، صحت دسته‌بندی و افزودن متغیرهای جدید در اختیار گروه شرکت‌کننده در دلفی قرار گرفته و پس از سه مرحله برگزاری برای استفاده در مدل انتخاب شدند. از آنجا که مدل پیشنهادی با توجه دقیق به ساختار حاکمیت شرکتی شرکتها و همچنین عوامل مؤثر بر افشای زیست‌محیطی ارائه شده است، در صورت اجرا، زمینه حداکثر شدن پاسخگویی و

^۱ . Bhaduri & Selarka

کاهش هزینه‌های نمایندگی فراهم شده و مدیریت هزینه‌های زیست‌محیطی امکان‌پذیر می‌گردد.

بادآورن‌نندی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کارایی اطلاعاتی شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ با تعداد ۹۵ شرکت پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن بود که مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بر کارایی اطلاعاتی شرکت تأثیر معکوسی دارد. اما سازوکارهای دیگر حاکمیت شرکتی مورد استفاده در این پژوهش از جمله سهام‌شناور آزاد، استقلال اعضای هیأت‌مدیره و تمرکز مالکیت بر کارایی اطلاعاتی شرکت تأثیر ندارند.

حسینی و حقیقت (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و تعهد به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ با تعداد ۱۲۵ شرکت پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین تعداد جلسات هیأت‌مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل با تعهد به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی شرکتها رابطه معناداری وجود دارد، اما بین استقلال هیأت‌مدیره، کمیته‌های تخصصی هیأت‌مدیره و سهامداران نهادی با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتها رابطه‌ای پیدا نشد.

قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی حاکمیت شرکتی در بخش عمومی و نقش آن در اقتصاد مقاومتی پرداختند. نتایج این پژوهش، راهبردهای مورد نیاز برای تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه بنگاهداری را با تمرکز بر اصول حاکمیت شرکتی خوب ارائه می‌نماید.

مرادی و حسین زاده (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی نقش راهبری شرکتی در بحران مالی شرکت‌ها: قبل و بعد از دستورالعمل کنترل‌های داخلی در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ با تعداد ۱۸۲ شرکت پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد راهبری شرکتی در کاهش بحران‌های مالی نقشی معنادار دارد، اما دستورالعمل کنترل‌های داخلی قادر به بهبود نقش یادشده نبوده است.

مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی رابطه راهبری شرکتی و مخارج تحقیق و توسعه شرکت‌های دارویی در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ با تعداد ۲۵ شرکت پرداختند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استقلال هیأت‌مدیره و مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی رابطه مثبت و معنی‌داری با مخارج تحقیق و توسعه دارد. همچنین، بین مالکیت سهامداران عمده و مخارج تحقیق و توسعه، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از تأثیرپذیری سیاست‌های تحقیق و توسعه شرکت‌ها از نظام راهبری شرکتی است. بنابراین، به منظور فراهم کردن بستری مناسب برای فعالیت‌های تحقیق و توسعه در صنایع دانش‌بنیان مانند صنعت دارو، توجه بیش از پیش به رعایت نظام راهبری شرکتی ضروری به نظر می‌رسد. صبوحی و محمدزاده (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین عملکرد اجتماعی، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ با تعداد ۹۲ شرکت پرداختند. بین تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، مالکیت دولتی، استقلال هیأت‌مدیره، اندازه شرکت، اهرم مالی و مسئولیت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین اندازه هیأت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، نرخ بازده دارایی، نقدینگی و مسئولیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به یافته‌های بدست آمده می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که وضع قوانین و اجرای آنها در خصوص مسئولیت‌های اجتماعی، الزامات قانونی در جهت افشای الزامی اطلاعات مالی، توجه سرمایه‌گذاران و سهامداران به رویکردها و اهداف شرکتها و ساختار مالکیتی و ترکیب هیأت‌مدیره آنها تأثیر بسزایی در عملکرد اجتماعی شرکتها دارد و نتایج مثبت عملکردهای اجتماعی باعث بوجود آمدن مزیت‌های رقابتی شرکتها و تبعات مثبت در سایر عملکردهای مالی شرکت خواهد شد.

۴- روش شناسی تحقیق

این پژوهش یک رویکرد توصیفی-تحلیلی است که از نظر هدف کاربردی و بر اساس نوع داده‌ها آمیخته (کیفی و کمی) می‌باشد. در روش آمیخته، ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی جمع‌آوری و تحلیل می‌شوند. سرانجام، نتایج هر دو تحلیل کیفی و کمی تفسیر می‌شوند. بنابراین، طرح تحقیق یک تحلیل اکتشافی است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل متخصصان حوزه سلامت در طی سال ۱۴۰۰ می باشد. نمونه گیری نظری تا زمانی ادامه می یابد که مقوله ها به اشباع نظری برسد. در این پژوهش با ۳۶ نفر از خبرگان مصاحبه به عمل آمد و پس از برگزاری این مصاحبه ها، مفاهیم و مقوله ها به اشباع رسیدند. اغلب مصاحبه ها ضبط شدند، مگر افرادی که با ضبط صدا مخالف بودند که در این موارد نکات مهم یادداشت برداری می شد. فرآیند انجام مصاحبه نیز بدین صورت بود که مصاحبه ابتدا با سؤال های کلی شروع می شد و با پیشرفت در مصاحبه و بسته به موقعیت، سؤال های دقیق تری مطرح می شد، پس از انجام هر مصاحبه، تحلیل های لازم روی داده ها صورت می گرفت و مفاهیم استخراج می شدند.

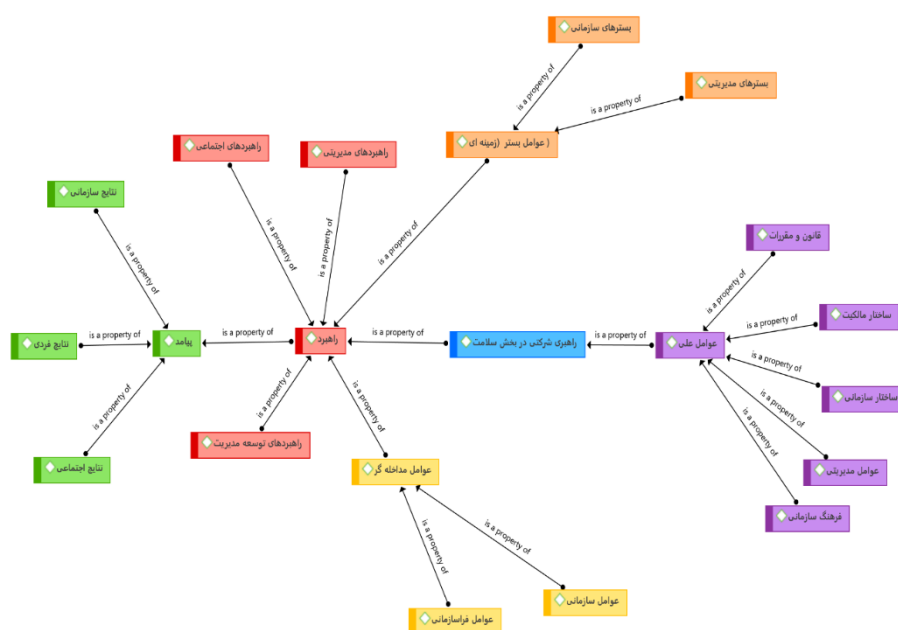
برای تعیین حجم نمونه در بخش کمی از قاعده مختص مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد و به منظور اینکه نتایج تحقیق قابلیت تعمیم پذیری بیشتری داشته باشد، در بخش کمی ۳۸۴ نمونه با روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب شد. برای تعیین اندازه نمونه در مطالعه، از فرمول زیر استفاده شده است:

$$n = \frac{Npq}{(N-1)D + pq}$$

در این تحقیق برای سنجش روایی و پایایی از ضریب آلفای کرونباخ، روایی همگرا و روایی واگرا بهره گیری شده است. به منظور تحلیل داده های مرحله کمی از روش تحلیل عاملی تأییدی مرحله اول و دوم و مدل معادلات ساختاری بر پایه نرم افزار اسمارت پی آل اس استفاده گردید.

۵- یافته های پژوهش

در بخش کیفی تحقیق، مدل راهبری شرکتی در بخش سلامت از طریق نظریه داده بنیاد استخراج شده است که مدل طراحی شده در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: مدل راهبری شرکتی در بخش سلامت

تجزیه و تحلیل بخش کمی

از شاخص‌های آمار توصیفی برای بررسی ویژگی‌های دموگرافیک پاسخ‌دهندگان استفاده شده است. از لحاظ جنسیت ۲۷۲ نفر یعنی ۷۱ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد هستند و ۱۱۲ نفر زن می‌باشند (۲۹ درصد). از بین شرکت‌کنندگان ۳۰ نفر از پاسخ‌دهندگان زیر ۳۰ سال سن دارند. ۱۰۰ نفر از پاسخ‌دهندگان ۳۱ تا ۴۰ سال سن دارند و ۷۱ درصد از حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند ۱۷۳ نفر ۴۱ تا ۵۰ سال سن دارند و ۸۱ نفر بیش از ۵۱ سال می‌باشند. افراد دارای مدرک کارشناسی ۱۳۱ نفر بوده و افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد ۱۰۷ می‌باشند. همچنین ۱۴۶ نفر دارای مدرک دکتری و بالاتر بودند.

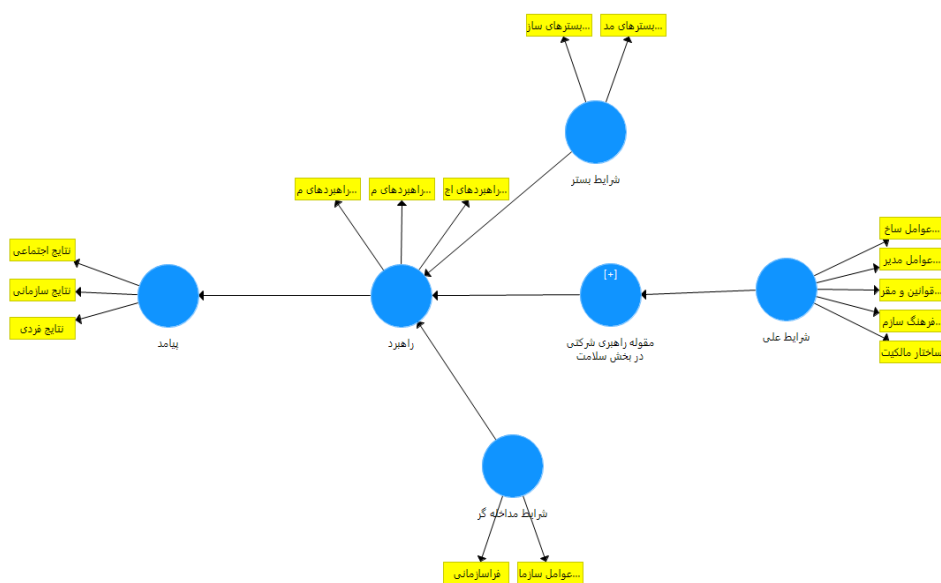
در این پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای آزمون نرمال بودن داده‌ها استفاده شده است. نتایج آزمون نرمال بوده داده‌ها در جدول ۱ ارائه شده است. براساس نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در تمامی موارد مقدار معناداری بزرگتر از سطح خطا

(۰/۰۵) بدست آمده است. بنابراین دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد و توزیع داده‌ها نرمال است.

جدول ۱: آزمون نرمال بودن داده‌ها

متغیرها	آماره کلموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری	نتیجه آزمون
شرایط علی	۰/۸۴۷	۰/۱۸۳	نرمال
شرایط زمینه ای	۰/۹۶۸	۰/۳۴۵	نرمال
شرایط مداخله گر	۰/۸۵۷	۰/۲۴۵	نرمال
راهبردها	۰/۹۱۰	۰/۱۱۷	نرمال
پیامدها	۱/۱۰۸	۰/۰۹۸	نرمال

به منظور طراحی معادلات ساختاری از دو نرم افزار لیزرل و اسمارت پی ال اس استفاده شده است. با توجه به اینکه خروجی گرافیکی نرم افزار Smart Pls (مدل سازی معادلات ساختاری) به حالت ساختاری مدل گراند تئوری شباهت بیشتری دارد در این قسمت از نتایج این نرم افزار استفاده شده است.



شکل ۲: مدل طراحی شده در نرم افزار

به منظور ارزیابی و برازش مدل از معیار R-SQUARE استفاده می‌شود. چین ۱۹۹۸ سه مقدار ۰/۱۹-۰/۳۳-۰/۶۷ را به عنوان ضعیف، متوسط، قوی بودن مدل تعیین می‌کنند. مقدار R^2 برای سازه‌های مدل ۰/۴۷۲ که در شکل مشخص شده است (مقوله اصلی، راهبردها، پیامدها). با توجه به سه مقدار ملاک مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌سازد. این معیار مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. وتزلس و همکاران (۲۰۰۹)، سه مقدار ۰/۰۱-۰/۲۵-۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده‌اند. مقدار به دست آمده در این پژوهش معادل ۰/۵۸۰ می‌باشد. بنابراین براساس GOF نیز مدل مورد تأیید است. همچنین روایی همگرا^۱ نیز محاسبه شده است. برای روایی همگرا میانگین واریانس استخراج شده^۲ و پایایی مرکب^۳ محاسبه می‌شود. آلفای کرونباخ تمامی متغیرها بزرگتر از ۰/۷ بوده بنابراین از نظر پایایی تمامی متغیرها مورد تأیید است. مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) همواره بزرگتر از ۰/۵ است بنابراین روایی همگرا نیز تأیید می‌شود. مقدار پایایی مرکب (CR) نیز بزرگتر از AVE است (جدول شماره ۲).

جدول ۲: روایی همگرا و پایایی متغیرهای تحقیق

CR	AVE	آلفای کرونباخ	
۰/۷۴۵	۰/۶۱۱	۰/۷۹۳	شرایط علی
۰/۷۹۸	۰/۶۳۳	۰/۷۵۰	مقوله اصلی
۰/۷۰۲	۰/۶۶۷	۰/۷۵۷	شرایط بستر
۰/۷۵۳	۰/۶۲۳	۰/۷۴۴	شرایط مداخله گر
۰/۷۸۶	۰/۶۷۹	۰/۷۳۶	راهبردها
۰/۷۹۹	۰/۶۲۵	۰/۷۴۱	پیامدها

^۱ . Convergent Validity

^۲ . Average Variance Extracted

^۳ . Composite Reliability

روایی واگرا یکی از معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که با استفاده از روش فورنل و لاکر سنجیده شده است. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی آن سازه و سازه‌های دیگر (مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد.

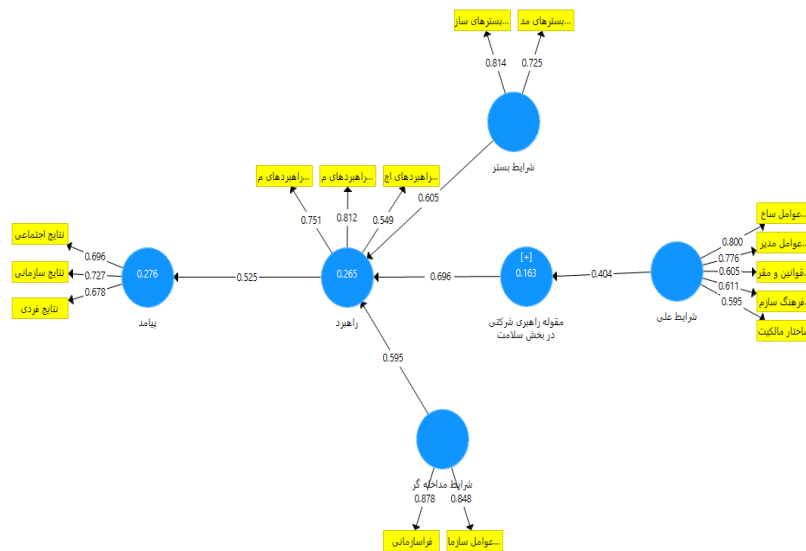
جدول ۳: روش فورنل و لاکر

شرایط علی	مقوله اصلی	شرایط بستر	شرایط مداخله گر	راهبردها	پیامدها
شرایط علی	۰/۷۸۱				
مقوله اصلی	۰/۵۳۳	۰/۷۹۵			
شرایط بستر	۰/۴۳۶	۰/۶۹۰	۰/۸۱۶		
شرایط مداخله گر	۰/۶۰۱	۰/۶۴۵	۰/۸۰۲	۰/۷۸۹	
راهبردها	۰/۵۳۴	۰/۵۳۸	۰/۷۶۵	۰/۵۳۴	۰/۸۲۴
پیامدها	۰/۴۲۸	۰/۵۱۰	۰/۶۴۹	۰/۴۱۸	۰/۶۱۳
					۰/۷۰۳

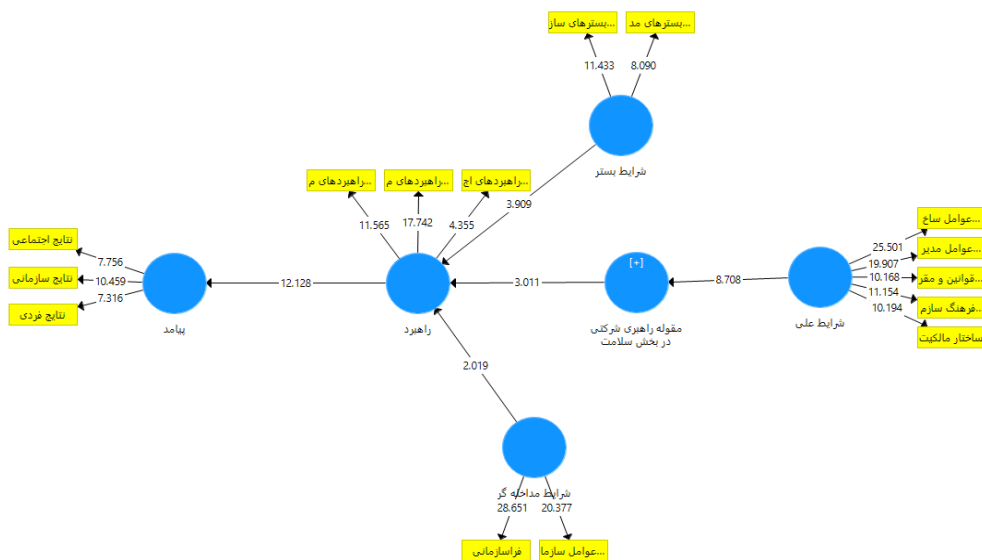
کیفیت مدل ساختاری توسط شاخص افزونگی محاسبه می‌شود. معروف‌ترین و شناخته شده‌ترین معیار اندازه‌گیری این توانایی شاخص Q^2 استون گاینر است. براساس این معیار، مدل باید نشانگرهای متغیرهای مکنون درون زای انعکاسی را پیش‌بینی کند. مقادیر Q^2 بالای صفر نشان می‌دهند که مقادیر مشاهده شده خوب بازسازی شده‌اند و مدل توانایی پیش‌بینی دارد.

جدول ۴: مقادیر Q^2

متغیرها	شرایط علی	مقوله اصلی	شرایط بستر	شرایط مداخله گر	راهبردها	پیامدها
Q^2	۰/۲۲۷	۰/۴۴۴	۰/۵۱۴	۰/۱۰۹	۰/۱۳۲	۰/۱۵۲



شکل ۳: مدل معادلات ساختاری کلی پژوهش (بار عاملی)



شکل ۴: مدل معادلات ساختاری کلی پژوهش (آماره تی)

جدول ۵: نتایج حاصل از برآورد معادلات ساختاری

روابط	بار عاملی	آماره t	نتیجه آزمون
شرایط علی بر مقوله اصلی تاثیر معناداری دارد.	۰/۴۰۴	۸/۷۰۸	تایید
مقوله اصلی بر راهبردها تاثیر معناداری دارد.	۰/۶۹۶	۳/۰۱۱	تایید
راهبردها بر پیامدها تاثیر معناداری دارد.	۰/۵۲۵	۱۲/۱۲۸	تایید
شرایط مداخله‌گر بر راهبردها تاثیر معناداری دارد.	۰/۵۹۵	۲/۰۱۹	تایید
شرایط بستر بر راهبردها تاثیر معناداری دارد.	۰/۶۰۵	۳/۹۰۹	تایید

همانطور که در نتایج برآورد معادلات ساختاری نشان داده شده است، روابط علی با بار عاملی ۰/۴۰۴ و آماره تی (T test) ۸/۷۰۸ تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر مقوله اصلی دارد. بنابراین شرایط علی بر مقوله اصلی تأثیر مثبت و معناداری دارد. مقوله اصلی با بار عاملی ۰/۶۹۶ و آماره تی ۳/۰۱۱ تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر راهبردها دارد. راهبردها با بار عاملی ۰/۵۲۵ بر پیامدها تأثیرگذارند. راهبردها بر پیامدها تأثیر مثبت و معناداری دارد. شرایط مداخله‌گر بر راهبردها با بار عاملی ۰/۵۹۵ تأثیر مستقیم و معنی‌دار دارد بنابراین شرایط مداخله‌گر بر راهبردها تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نهایت شرایط بستر با بار عامل ۰/۶۰۵ تأثیر مستقیمی بر راهبردها و شرایط بستر بر راهبردها تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

عامل سازنده و مؤثر جمهوری اسلامی ایران با جهان در شرایط تحریم، نیازمند داشتن راهبردهای جامعه شناختی هم‌راستا با آرمان‌ها و ارزش‌ها و مبتنی بر مصالح بلندمدت نظام اسلامی است؛ به‌گونه‌ای که در یک حرکت دائمی و تکاملی، بسترهای مناسب برای ایجاد تغییر در درون نظام فراهم شود. نقطه آغازین این فرایند، توجه هوشمندانه به ظرفیت‌ها برای غلبه بر چالش‌ها در چارچوب قواعد و هنجارهای جهانی از یک‌سو و نیز مبانی و ارزش‌های بنیادین از سوی دیگر است. مطالعه وضعیت موجود اقتصاد ملی، عناصر مؤثر در آن و بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های هر یک از این عناصر در تعیین الگوی راهبری شرکتی در بخش سلامت بسیار ضروری است. راهبری شرکتی در بخش سلامت، نیز سبب

افزایش توان کشور می شود. انسان سالم، محور توسعه ی پایدار است و جوامع امروزی بستر مناسب را برای تولید و شتاب لازم، جهت رسیدن به توسعه می خواهد. بنابراین بررسی و تبیین تمام مولفه های تاثیر گذار بر حوزه ی سلامت، از وظایف محققان و فعالان حوزه ی سلامت می باشد. در مدل پیشنهادی ۵ کد محوری قانون و مقررات، فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی، عوامل مدیریتی، ساختار مالکیت به عنوان شرایط علی در نظر گرفته شده است. قانون و مقررات در دو دسته قوانین اساسی و تدوین قوانین کاربردی دارای کدهای قوانین کار، همگامی با استانداردهای جهانی، رعایت اصول اساسی بخش سلامت، قوانین سازمانی، ارزیابی قوانین موجود، به روز رسانی قوانین موثر در عملکرد بخش سلامت و بهینه سازی قوانین است. فرهنگ سازمانی در دو دسته مسئولیت اجتماعی و اخلاق دارای کدهای ترویج مسئولیت اجتماعی، همگامی با ارزش های توسعه پایدار، رعایت سه اصول توسعه پایدار، روابط متقابل در جامعه، اخلاق سازمانی، اخلاق حرفه ای و فرهنگ سازی در جهت ارزش سازی عمومی ساختار سازمانی در دو دسته ارزش های بخش سلامت و توانمندی سازمانی دارای کدهای استراتژی سازمان، تعهد سازمانی (مسئولیت پذیری)، فرهنگ سازمانی و ارزشها، مدیریت دانش و یاد گیری، قابلیت های سازمانی، رویکرد علمی پژوهشی، ارتقای مداوم کیفیت خدمات، خود مراقبتی و سلامت کارکنان و منافع ذی نفعان، گزینش بر اساس شایسته سالاری، انطباق راهبرد و فرآیندهای سازمانی، استقرار سیستم نگهداشت دانش و دانش افزایی.

عوامل مدیریتی در دو دسته مدیریت سازمان و هیئت مدیره دارای کدهای جلب اعتماد و مشارکت کارکنان، تمرکز بر منافع ذی نفعان، وظیفه شناسی، تسلط بر قوانین، مقررات و فرایندها، مسئولیت پذیری و پاسخگویی، نگرش سیستماتیک و چند بعدی، تخصص مدیر عامل، سازگار بودن (توافق گرائی): نوع دوستی، اعتماد، همکاری و یاریگری، تخصص گرائی هیات مدیره، استقلال هیئت مدیره، آزادی عمل هیئت مدیره و تنوع جنسیتی هیئت مدیره. ساختار مالکیت در دو دسته ویژگی های مالکیت و نقش مالکین دارای کدهای سهامداران نهادی، سهامداران خانوادگی، مالکیت خصوصی، تنوع مالکیت، میزان

سهم، مالکیت دولتی، مدیران موظف، مدیران غیرموظف، نظارت و ارزیابی بر تصمیمات سهامدان و تصمیم گیری مالکین.

اگر سلسله شرایط خاصی را که در آن استراتژی‌ها و کنش‌های متقابل برای اداره کردن، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد به‌عنوان شرایط بستر در نظر گرفته شود بسترهای سازمانی و بسترهای مدیریتی به‌عنوان شرایط بستر یا زمینه‌ای شناخته شدند. بسترهای سازمانی در سه دسته توانمندسازی، فرهنگ سازمانی و جو سازمانی دارای کدهای حمایت از کار تیمی، تبادل دانش و اندیشه ورزی در محیط، رویکرد علمی پژوهشی در کنار ارائه خدمات، اعتماد به توانایی و تجارب افراد، حمایت از خلاقیت و نوآوری در حل مسائل، محیط کاری ارزشی و معنا محور، انعطاف پذیری و سازگاری، جامعه پذیری اختیاری، تبادل درس آموخته‌های موفقیت و یا شکست، ترویج رویکرد علمی پژوهشی و اندیشه ورزی، شهروند سازمانی، اعتماد متقابل ذی نفعان، کرامت انسانی، توسعه انسانی، رهائی سازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توانخواهان، مشتری محوری (تکریم بیمار، ترویج رفتارهای توانمندسازانه، قابلیت اعتماد به سازمان، ارتباطات رسمی و غیر رسمی، ملاحظه گری (خیرخواهی) مدیران و کارکنان و اشتیاق و تعهد به کار و سازمان.

بسترهای مدیریتی در چهار دسته ویژگی‌های مدیریتی، مهارت‌های عملکردی، توسعه و غنی سازی مشاغل مدیریتی و محیط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارای کدهای جلب اعتماد و مشارکت کارکنان، تمرکز بر منافع ذی نفعان، تخصص گرایی، تسلط بر قوانین، مقررات و فرایندها، مسئولیت پذیری و پاسخگویی، نگرش سیستماتیک و چند بعدی، مهارت‌های ادراکی و تحلیلی، مهارت‌های قضاوت و تصمیم گیری، مهارت‌های تفکر خلاق و حل مساله، تجارب غنی/ تجربه پذیری، مهارت‌های ارتباطی و کار تیمی، احساس منزلت و شایستگی در مدیران، پرورش نیروی انسانی برای مشاغل آتی از میان توانخواهان، تربیت نیروی انسانی و مدیر چند پیشه جانشین پروری و مسیر شغلی، غنی سازی و توسعه مشاغل مدیریتی، حمایت شغلی و سازمانی، تنگ نظری نسبت به فعالیت‌های در مقیاس بزرگ، ظرفیت‌های آکادمیک شرکاء با قابلیت بالا، حمایت سازمانی نهادهای محوری

در سطح ملی، فرهنگ مهربانی، شفقت و نیکوکاری، ظرفیت خیرین، بازنشستگان و داوطلبان و ظرفیت به اشتراک گذاشته شده با دستگاههای همکار.

شرایط مداخله‌گر عواملی هستند که شرایط علی را تسهیل می‌کنند یا بر اثر این شرایط تداخل ایجاد کرده و مانع آن می‌شود. به عبارت دیگر شرایط مداخله‌گر خود به تنهایی منجر به رفتار نمی‌شود اما می‌تواند بر اثر شرایط علی بر رفتار اثرگذار باشند. در این پژوهش عوامل سازمانی و عوامل فراسازمانی به عنوان شرایط مداخله‌گر محسوب می‌شوند. عوامل سازمانی در دو دسته موانع اجرایی و قانونی دارای کدهای محدودیتهای قوانین و مقررات (بوروکراسی های زائد)، پرداخت حقوق و مزایا در حد پائین تر از ابلاغیه اداره کار، انتخاب سلیقه ای و تغییرات مدیریتی، به روز بودن دانش کارکنان و مدیران برای تطابق پذیری، عدم به روز رسانی فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی، نبود امکانات حمایتی رفاهی، تسهیلاتی و مسکن، عدم رعایت استانداردهای جهانی، عدم اجرای قوانین جهانی در مورد منابع انسانی، عدم تعریف معیارهای ارزیابی پیشرفت عملی، نبود سیستم استاندارد ارزیابی و مدیریت عملکرد، نابرابری در امکان احراز مشاغل مدیریتی، تبعیض در محیط کار. عوامل فراسازمانی در دو دسته شرایط اجتماعی و شرایط سیاسی و اقتصادی دارای کدهای تفکرات فردگرایانه و خود محور، تنگ نظری و تسهیلگری ضعیف برای موسسات در مقیاس بزرگ، جو روانی بی اعتمادی، همه گیری ویروس کرونا، کاهش اعتماد به سیستم دولتی و حاکمیتی، تحریم ها و بحران های اقتصادی، کمبود اعتبارات و منابع مالی و تاثیرات تصمیمات سیاسی.

راهبردهای مدل تحقیق حاضر عبارت‌اند از: راهبردهای توسعه منابع انسانی، راهبردهای مدیریتی و راهبردهای اجتماعی. زمینه‌سازی ایجاد الگوی راهبری شرکتی در بخش سلامت، نیازمند طرح یا برنامه‌ای است که در آن رئیس دولت، نمایندگان مجلس و کارشناسان متعددی که خواستار تاثیر سرمایه اجتماعی بر الگوی مصرف هستند، باید به شناسایی، اولویت بندی، طراحی، ایجاد زیرساخت لازم و اجرا گردد.

راهبردهای توسعه منابع انسانی در دو دسته انتخاب و انتصاب، مداخلات آموزشی و مدیریت دانش دارای کدهای سیستم های گزینش و جذب مدیران و کارکنان، مدیریت استعداد، اهمیت هوش هیجانی و اجتماعی در انتخاب ها، بهره گیری از طریق معرفی افراد توسط کارکنان(هر کارمند یک استخدام کننده)، تناسب شغل با شاغل مدیران و کارکنان، شایسته سالاری در انتخاب و انتصاب ها، یادگیری اجتماعی، یادگیری رسمی، یادگیری تجربی، توانمند سازی، آموزش شیوه های تفکر انتقادی، آموزش خود مراقبتی، خودآگاهی و شناخت نظام های ارزشی، توسعه ظرفیت های فردی و بهبود عملکرد، ارتباطات سازمانی اثربخش، ایجاد سازمان یادگیرنده، تخصص گرایی، جانشین پروری و مربیگری مدیران و کارکنان، تطابق پذیری و روزآمدی، خلاقیت و نوآوری، تسهیم دانش در تیم های مجازی، رویکرد علمی پژوهشی در کنار ارائه خدمات.

راهبردهای مدیریتی در چهار دسته مدیریت مشارکتی و تحول گرا، کنترل و نظارت، تغییرات ساختاری و مدیریت مبتنی بر شواهد دارای کدهای توسعه پیوندهای رسمی و غیر رسمی، همراستایی استراتژی کسب و کار با منابع انسانی، رهبری تحول گرایانه، ایجاد روحیه کار تیمی(کاهش نگرش خودمحوری)، پشتیبانی و تسهیل مشارکت، کنترل حسابرسان، کنترل صورت های مالی، بررسی شفافیت و کیفیت اطلاعات، شفاف کنندگی اطلاعات عملکردی، کنترل ادواری (کوتاه مدت و بلندمدت)، کنترل تأمین کنندگان، انعطاف پذیری در ساختار و قوانین، به روز رسانی ساختار سازمانی، کاهش قوانین دست و پاگیر، همسویی ساختار و فرآیند سازمان، بهبود ارتباطات و ساختارهای رسمی، تفویض اختیار کافی و استقلال عمل، ساختار لاغر در سطح بخش سلامت، توسعه خودکنترلی و کاهش نظارت(عدم تمرکز)، تسهیل گری امور بر اساس شواهد علمی، آینده نگری، نیازسنجی آموزشی کارکنان، پیش بینی نیازهای آتی و سناریوسازی، مشاهده و توجه دقیق به فرآیندهای جاری و تصمیم گیری مبتنی بر شواهد در سازمان.

راهبردهای اجتماعی در سه دسته مشارکت اجتماعی، بسترسازی فرهنگی و پاسخگویی دارای کدهای آموزش خودمراقبتی بیماران، آموزش خود مراقبتی و سلامت کارکنان و

مدیران، اطلاع رسانی و آگاه سازی، برگزار کارگاه های آموزشی، بهره گیری از ظرفیت داوطلبان، خیرین و بازنشستگان، بهره گیری از ظرفیت مالی خیرین و مشارکت اجتماعی، تبیین مفاهیم پیشرفت در محیطهای آموزشی، توسعه مفاهیم و ارزش های انسانی، آموزش مهارت های زندگی و اجتماعی، پایبندی به قوانین و حقوق شهروندی، مشتری مداری، ترویج همدلی و یاریگری، توسعه باورهای دینی، مذهبی و وجدانی، اشاعه امیدواری و اعتماد در جامعه، افزایش مسئولیت پذیری، افزایش میزان پاسخگویی، استفاده از ظرفیت داوطلبین و مشارکت کنندگان اجتماعی، رفاه و آسایش خانواده ها و توانخواهان، تطبیق شرایط بومی با شرایط جهانی، اعتماد به حاکمیت و دستگاه های اجرایی و کاهش تبعیض و توسعه برابری.

و در نهایت پیامدها، نتایج و حاصل راهبردها و یا کنش ها واکنش ها هستند. به عبارت دیگر، هر جا انجام یا عدم انجام کنش / واکنش معینی در پاسخ به امر یا مسئله ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می آید. برخی از پیامدها خواسته و برخی ناخواسته اند. در این پژوهش نتایج فردی، مدیریتی و اجتماعی به عنوان پیامدهای ناشی از تدوین و طراحی مدل در نظر گرفته شده است. نتایج فردی در دو دسته بهروزی ذهنی و توانمندسازی روانشناختی در دارای کدهای تجربه عواطف و روحیات مثبت، بهبود کیفیت زندگی کاری، ایجاد امنیت ذهنی در مورد حمایت سازمانی، احساس رضایت و آرامش درونی، احساس شایستگی و اعتماد به دیگران، داشتن حق انتخاب و موثر بودن، خود کار آمدی و عزت نفس، معنا بخشی به شغل و عجز شدن افراد با کار خود.

نتایج سازمانی در پنج دسته ارتقای کیفی خدمات، رضایتمندی ذی نفعان، پویایی و شفافیت سازمانی و نشاط سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی دارای کدهای کاهش هزینه ناشی از خطاهای (تصمیم گیری)، بهبود تصمیم گیری های سازمانی و بهبود عملکرد، رهبری هزینه در بازار (رقابت پذیری)، افزایش سهم مشارکت کنندگان اجتماعی (خیرین)، بهره وری و صرفه جوئی در هزینه ها، استفاده بهینه از منابع (در راستای منافع عمومی)،

اطمینان به کیفیت خدمات ارائه شده (رقابت‌پذیری)، رضایت‌مندی آسایش و رفاه گیرندگان خدمت (بیماران)، افزایش نرخ رضایت و شادمانی سازمانی، رضایت‌مندی دستگاه‌های بهره‌بردار در حوزه آسیب‌های اجتماعی، رضایت‌مندی سرمایه‌گذاران و سهامداران، تسریع در پاسخگویی به شرایط و تغییرات محیطی، شفافیت اطلاعات جاری، شفافیت اطلاعات حسابداری، پویایی انتقال داده و اطلاعات، سرعت در تصمیم‌گیری، انعطاف‌پذیری در عمل، قدرت و چابکی در مواجهه با چالش‌ها، تسهیل امور در عین رعایت مقررات، استفاده از خرد جمعی در تصمیم‌گیری (پویایی)، اشتیاق و تعهد به حرفه، تعامل مناسب با همکاران و مدیران، مشارکت در امور و تصمیم‌گیری‌ها، احساس امنیت و اعتماد به سیستم، ایجاد رضایت و انگیزه در کارکنان، احساس مسئولیت در، قبال ذی نفعان، احساس مسئولیت در قبال مددجویان و بیماران و خانواده‌های آنان، کمک و حمایت داوطلبانه، توسعه مهارت‌ها و توانایی‌ها و پذیرش و تحمل تنگناها.

نتایج اجتماعی در دو دسته توسعه سرمایه اجتماعی و بهروزی اجتماعی دارای کدهای بهبود تعاملات اجتماعی، توانبخشی اجتماعی، فرهنگی، مهارتی و سوادآموزی بیماران، رهایی‌سازی و استقلال اقتصادی بیماران، گسترش اعتماد و سرمایه اجتماعی، برگشت بیماران به خانواده و جامعه و رفاه و آسایش خانواده‌ها، توسعه انسانی از راه بالفعل شدن قوه‌های درونی بیماران و کارکنان، گسترش اعتماد متقابل در جامعه، فعالیت جمعی برای منافع مشترک، احساس حمایتگری و پاسخگویی، ترجیح مصالح جمعی بر فردی، افزایش انسجام و همبستگی، ترویج فرهنگ مشارکت و همکاری، باور به بروز تحولات مثبت اجتماعی و شناخت، پذیرش و درک دیگران.

درمجموع الگوی به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر به ترتیب اولویت مشتمل بر ۶ بعد، ۱۷ مؤلفه و ۱۰۶ کد است. نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر به لحاظ مقایسه‌ای از دو جنبه قابل‌بحث است:

اول این‌که یافته و دستاورد نهایی پژوهش حاضر، الگویی نسبتاً جامع و کامل بر اساس الزامات و ویژگی‌های الگوی مصرف اقتصادی است و از سایر الگوهای ارائه‌شده توسط

صاحب‌نظران با توجه به این که برای جوامعی غیرتجاری تدوین شده‌اند، مناسب‌تر است. سایر الگوهای ارائه شده برای جوامعی مثل دانشجویان، کارکنان، پرستاران، یا سایر نهادها و سازمان‌های آموزشی بوده است و اگر برخی از آن‌ها برای واحدهای صنعتی بوده است خیلی مختصر بوده‌اند و جامعیت و تعمیم‌پذیری آن‌ها بسیار کم است و نمی‌توانند الگوی مناسبی برای جامعه شناختی تاثیر سرمایه اجتماعی بر الگوی مصرف اقتصادی باشند. دوم این که الگوی به دست آمده در مقایسه با سایر الگوها، از نظر ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های به دست آمده، جامعیت بیشتری را نشان می‌دهد. این موضوع با برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی مقایسه شده است که ضمن برخورداری الگوی پژوهش حاضر از اکثر مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن‌ها، تعدادی مؤلفه و شاخص جدید شناسایی و احصاء نموده است که نقطه قوطی برای پژوهش حاضر است و دستاورد اصلی پژوهش جامعیت الگو و بومی بودن آن برای الگوی مصرف اقتصادی بر اساس ویژگی‌های فعلی تحریم و اقتصاد مقاومتی است. برای بررسی روابط همبستگی از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد نتایج برآورد معادلات ساختاری نشان داد که شرایط علی بر مقوله اصلی تأثیر مثبت و معناداری دارد. مقوله اصلی بر راهبردها تأثیر مثبت و معناداری دارد. راهبردها بر پیامدها تأثیر مثبت و معناداری دارد. شرایط مداخله‌گر بر راهبردها تأثیر مثبت و معناداری دارد و درنهایت شرایط بستر بر راهبردها تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فهرست منابع

- Aguilera, R. V., Desender, K., Bednar, M. K., & Lee, J. H. (2015). Connecting the dots: Bringing external corporate governance into the corporate governance puzzle. *Academy of Management Annals*, 9(1), 483-573.
- Aoki, M. (2001), *A comparative institutional analysis toward*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Arshad, R. Razak, S. N. A. A. (2011), Corporate social responsibility disclosure and interaction effects of ownership structure on firm performance, *Business, Engineering and Industrial Applications*, Vol. 111, 25- 28.

Bell, G., Filatotchev, I., Aguilera, RV (2014), Corporate governance and investors' perceptions of foreign IPO value: An institutional perspective. *Journal of Management Academy*, 57 (1), 301-320.

Beltratti, A. Stulz, R. (2012), Why Did Some Banks Perform Better During the Credit Crisis? A Cross-Country Study of the Impact of Governance and Regulation. *Financial Economics*, 105(1), 1-17.

Bhaduri, S. Selarka, E. (2016), Corporate Governance and Corporate Social Responsibility of Indian Companies, CSR, Sustainability, Ethics & Governance & quot. *Springer Science*, 87-113.

Breandle, C. Noll, j. (2005), On the Convergence of National Corporate Governance System. www.ssrn.com.

Danaeefard, H, Emami, S.M. (2007), Qualitative research strategies: Reflection on grounded theory, *Journal of Strategic Management Thought*, 1(2), 69-97. (In Persian)

Gordon, J. N. (2002). What Enron means for the management and control of the modern business corporation: Some initial reflections. *U. Chi. L. Rev.*, 69, 1233.

Hasan, Z. (2008). Corporate Governance from Western and Islamic Perspectives. A paper presented at the Annual London Conference on Money. In *Economy and Management in 3rd-4th July, Imperial College, South Kensington, United Kingdom*. Available at. <https://zulkiflihasan.files.wordpress.com/2008/.../microsoftword-london-conference>.

Hosseini, S. A. and Haghighat, S. (2016). The Relationship between Corporate Governance and Community Engagement in Listed Companies of Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Social Interests*, 6(4), 103-128.

Lashkan, A. M. et al. (2012). Corporate governance and corporate failure. *Procedia Economics and Finance*, 2(1), 191-198.

Moradi, M. and Hosseinzadeh, S. (2017). The Role of Corporate Governance in Firm's Financial Distress: Pre- and Post-Internal Controls Instruction. *Financial Accounting Research*, 9(3), 67-90.

Nikumram, H. Pourzmani, Z. (2006), Corporate Governance and Prediction of Corporate Bankruptcy, *Doctoral Dissertation*, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. [Persian]

Ocasio, W., & Joseph, J. (2005). Cultural adaptation and institutional change: The evolution of vocabularies of corporate governance, 1972–2003. *Poetics*, 33(3-4), 163-178.

Parker, S., Peters, G. F., & Turetsky, H. F. (2002). Corporate governance and corporate failure: a survival analysis. *Corporate Governance: The international journal of business in society*, 2(2), 4-12.

Rahmanseresht, H., Harandi, A. (2017), Examining the Impact of Corporate Governance Strategic Control on the Effectiveness Governance of Corporation in Stock Market. *Journal of Business Management*, 9(3), 485-506. (In Persian)

Scott, K. (2003) The Role of Corporate Governance in South Korean Economic Reform.

Soleimani, G. and Moghadasi Nikjeh, M. (2014). The Role of Internal Controls, Internal Audit and Audit Committee in Optimization of Corporate Governance. *Journal of Accounting and Social Interests*, 4(1), 63-77. doi: 10.22051/ijar.2014.489

Oeyono, J., Samy, M., & Bampton, R. (2011). An examination of corporate social responsibility and financial performance: A study of the top 50 Indonesian listed corporations. *Journal of Global Responsibility*, 2(1), 100-112.

Steger, U., & Amann, W. (2008). *Corporate governance: how to add value*. Wiley.

Tabaiezade Fesharaki, H., MohammadPour Zarandi, E. and Minouei, M. (2018). The effect of establishing corporate governance in commercial banks on maintaining and improving financial health. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7(25), 139-152.

Wolfensohn, J. (1999), Financial Times, June 21.

Designing a corporate leadership model in the health sector with a mixed approach

Fatemeh Rezaei¹, Heidar Mohammadzadeh Salteh², Rezvan Hejazi³,
Houshang Taghizadeh⁴

Abstract:

The present research aims to present a corporate governance model in the health sector based on the foundational data approach and is considered a part of exploratory research, and due to the fact that it deals with qualitative data, it is in the category of qualitative research and In terms of results, it is included in developmental research. In fact, this research seeks to design innovative concepts and models based on qualitative data that have come out from the perspectives of research participants and tries to help expand the boundaries of existing knowledge in this field. In the qualitative phase, among the strategies of qualitative research, foundation data theory was used and a comprehensive model was developed that includes causal factors, intervening factors, background factors, strategies and consequences of presenting a corporate leadership model in the health sector. In-depth interview was used as the main data collection tool at this stage. Qualitative phase sampling started with the available method and then continued with the snowball method. After conducting 15 interviews, data saturation was achieved. A total of 16 categories and 232 concepts were identified and extracted. Axial coding is the second stage of data analysis in grounded theory. In the quantitative phase, a questionnaire was compiled based on the findings of the qualitative phase. To determine the sample size in the quantitative part, the rule specific to structural equation modeling was used and the sample size was determined to be 384 people. In total, the pattern obtained in the present study consists of 6 dimensions, 17 components and 106 codes in the order of priority. The

¹. Ph.D. Candidate Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

². Associate Professor of Accounting Department, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran (Corresponding Author)

³. Professor Accounting Department, Khatam University, Tehran, Iran

⁴. Professor Management Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

results of the quantitative part of the research indicated that causal conditions have a positive and significant effect on the main category and the main category on strategies and strategies on outcomes. Intervening conditions have a positive and significant effect on the strategies, and finally, the underlying conditions have a positive and significant effect on the strategies. The final finding and achievement of the current research is a relatively comprehensive and complete model based on the requirements and characteristics of the economic consumption model, and it is more suitable than other models presented by experts considering that they were developed for non-commercial societies. Compared to other models, the obtained model shows more comprehensiveness in terms of the obtained dimensions, components and indicators.

Keywords: Corporate governance, Health sector, Organizational factors, Extra-organizational factors, Management platforms, Organizational